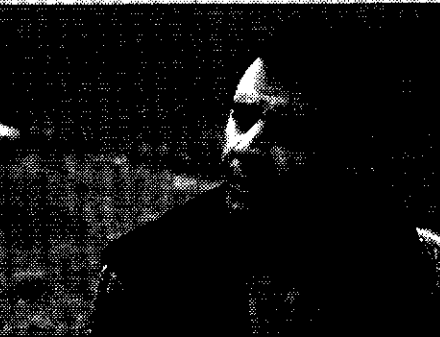


یک ذهن زیبا

A Beautiful Mind

کارگردان: ران هاوارد. فیلمنامه نویس: اکیوا گلدزمن بر اساسی کتابی به همین نام نوشته سیلویا ناسار، موسیقی متن: جیمز هورنر، بازیگران: راسل کرو (جان فوریس نش)، ادهرسی (ویلیام پارچر)، جنیفر کانلی (الیشیا لاردنش)، هل بنتی (چارلز هومن)، آدام گلدبرگ (سول)، جادهوش (هلینگر)، زمان فیلم: ۱۳۵ دقیقه و ۲۶ ثانیه. مناسب برای سنین ۱۲ سال به بالا. محصول ۲۰۰۱ ایالات متحده.



پرستین، ۱۹۶۷، جان نش ریاضیدان تصمیم قاطع دارد تا در رشته خود تلاشی اساسی و در خور توجه انجام دهد. او با وجود غیرعادی و خشن بودنش، بسیار بلند پرواز و رقابت طلب است و اعتقاد دارد که تنها دوستش، چارلز انگلیسی است که در یک اتاق با هم زندگی می کنند. جان با آرایه مقاله ای درخشان، در مؤسسه ویلر مشغول کارآموزی می شود. چند سال بعد، پنتاگون نش را برای رمزگشایی استخدام می کند و در همین حین توجه ویلیام پارچر، مأمور مخفی دولت به او جلب می شود. یکی از شاگردان نش به نام الیشیا راه جلی در اختیار وی می گذارد که خود نش متوجه آن نشده بود این دو

پرستین، ۱۹۶۷، جان نش ریاضیدان تصمیم قاطع دارد تا در رشته خود تلاشی اساسی و در خور توجه انجام دهد. او با وجود غیرعادی و خشن بودنش، بسیار بلند پرواز و رقابت طلب است و اعتقاد دارد که تنها دوستش، چارلز انگلیسی است که در یک اتاق با هم زندگی می کنند. جان با آرایه مقاله ای درخشان، در مؤسسه ویلر مشغول کارآموزی می شود. چند سال بعد، پنتاگون نش را برای رمزگشایی استخدام می کند و در همین حین توجه ویلیام پارچر، مأمور مخفی دولت به او جلب می شود. یکی از شاگردان نش به نام الیشیا راه جلی در اختیار وی می گذارد که خود نش متوجه آن نشده بود این دو

G U I D E

ضمن ملاقات های متعدد با هم بیشتر آشنا می شوند. پارچر کاری رمزآلود برعهده او می گذارد و نش در حین کار، همه جا دچار توهم است. نش با الیشیا ازدواج می کند و کار پنهانی او زندگی عادی شان را به صورتی ظاهرا خطرناک تحت تاثیر قرار می دهد. الیشیا که باردار است از رفتار عجیب و غریب شوهرش نگران می شود. در جریان یک سخنرانی او از دست مهاجمانی فرار می کند که در واقع دستیاران دکتر روزن روانشناس هستند. روزن با تزریق مسکن، نش را آرام کرده و به الیشیا میزبان چون او را خبر می دهد. زندگی مأمور مخفی تماما فانتزی و خیالی است و پارچر، چارلز و ماریسی (خواهر زاده چارلز) توهماتی بیش نیستند.

پس از درمان با شوک حاصل از انسولین، نش در خانه تحت مراقبت همسرش قرار می گیرد. داروهای تجویز شده موجب سرکوب ذهن محاسبه گر او در ریاضیات می شود و به همین دلیل نش مصرف آنها را متوقف می کند. لوهم و خیالات دوباره باز می گردند، او که ناچار به انتخاب میان واقعیت هاست در می یابد که ماریسی توهم است و الیشیا از ترک نش منصرف می شود. او در پرستین از مقامات دانشگاه درخواست می کند تا بخشی از وقتش را در دانشکده بگذراند. یک گذشت سال ها، جان نش بسیاری از لوفاتش را با دانشجویان می گذراند. در سال ۱۹۹۴ برنده جایزه نوبل شده و از تریبون عشق خود را نسبت به الیشیا ابراز می کند. پارچر، چارلز و ماریسی هنوز هم در نظر او زنده اند، اما او عادت کرده است تا آنها را همواره نادیده بینگذارد.

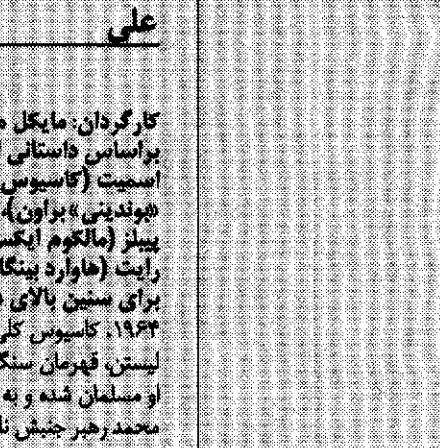
ترتیب او از عنوان جهانی اش خلع شده و به پنج سال حبس محکوم می شود. با حکم دادگاه استینافه علی از حکم زندان در امان می ماند اما از مبارزه در رینگ منع می شود. هزینه های دولتی او را در تنگنای شدید مالی قرار می دهد. پس از اعلام ورشکستگی محمد علی، عضویت او در امت اسلام به حالت تعلیق در می آید.

چو فریزر که اکنون عنواندار قهرمانی جهان است از سوی علی برای انجام مبارزهای تحریک می شود؛ به شرطی که علی در مسابقه ای با جری کواری بر او غلبه کند. علی این حرف خود را شکست می دهد و اجازه می یابد بار دیگر به امت اسلام پیوندد. دادگاه عالی حکم علی را ملغی اعلام می کند و او که در نهایت بیروز میدان مبارزه با حکومت شده در رویارویی با فریزر چاره ای جز شکست نمی بیند. علی تلاش خود را برای کسب عنوان قهرمانی جهان آغاز می کند. او باید به وزیر برود و با جورج فورمن به رقابت برخیزد؛ چرا که فورمن با غلبه بر فریزر به مقام قهرمانی دست یافته است. فورمن در جریان یکی از جلسات تمرین پیش از مسابقه دچار آسیب دیدگی می شود و همین امر برگزاری مسابقه میان دو مشتزن را به مخاطره می اندازد. اما علی به رقیب خود اطمینان می دهد که تا پیش از مبارزه خاک رژیتر را ترک نخواهد کرد. او فورمن را متهم به فرار از رویارویی می کند. یک ماه پس از روز تعیین شده مبارزه میان دو مشتزن آغاز می شود. علی به رغم توصیه مربی خودش را به کنار رینگ رسانده و ضربات مشت فورمن را تحمل می کند. نهایتا علی حملات خود را آغاز کرده و با ناک اوت کردن فورمن، عنوان قهرمانی اش را باز پس می گیرد.

علی

All

کارگردان: مایکل مان. فیلمنامه نویس: مایکل مان بر اساس داستان از سرگوری الن هاوارد. بازیگران: راسل کرو اسمیت (کاسیوس کلی، محمد علی)، جیمی فوکس (فرو هوفدینی «باوون» جان وویت (هاوارد کاسل)، ماریو ون پینز (مالکوم ایکس)، ران سینور (انجلو داندی)، جفری رایت (هاوارد پینگام). زمان فیلم: ۱۵۹ دقیقه. مناسب برای سنین بالای ۱۵ سال. محصول ۲۰۰۱ ایالات متحده ۱۹۶۴. کاسیوس کلی در سن ۲۲ سالگی با غلبه بر سانی لیستن، قهرمان سنگین وزن بوکس حرفه ای جهان می شود. او مسلمان شده و نه عضویت امت اسلام در می آید. عالیجاده محمد رهبر جنبش نام کلی را به محمد علی تشبیه کرده و تلاش می کند تا گاردن هربرت محمد به



عنوان مدیر زندگی شخصی و حرفه ای علی را در دست بگیرد. او در عین حال میانه علی و دوستش مالکوم ایکس را به هم می زند. دولت ایالات متحده که از سوی ستیزه جویانه علی بیمناک شده با تغییر قانون او را به خدمت زیر پرچم فرا می خواند. علی به رغم تضایح مدیر برنامه هایش از خدمت در ارتش سرباز زده و آشکارا اعلام می کند که هیچ تلاشی با ویت کنگ ندارد. بدین



دو نگاه به فیلم علی: بحران انرژی!

● کنت توران - لس آنجلس تایمز

مایکل مان با سابقه کارگردانی انرژی چون «آخرین بازمانده موهیکان ها»، «نفوذی» و «آلتهاب» دیگر نیازی نیست تا مهارت و استادی خود را در عرصه فیلمسازی به کسی اثبات کند، او این بار و به عنوان یک هنرمند کمال گرا و تحسین شده، روایت داستان قهرمان مشتزنی جهان را برای خود برگزیده است. داستانی زندگی قهرمانی که نامش را به محمدعلی تغییر داد و به مشهورترین ورزشکار قرن بیستم بدل شد. مان در پروژه‌های خود توجهی عجیب به جزئیات نشان می‌دهد. در آثار او همه چیز باید تا آنجا که سرمایه و وقت اجازه می‌دهد به اصل ماجرا نزدیک باشد و این امر حتی شامل نقش آفرینی

آثرکنار ویل اسمیت هم می‌شود. به لطف تشویق‌های مان بود که اسمیت ۳۵ پوند به وزن خود افزود. بدنش را ورزشکار مشتزنی آموخت و توانست مثل علی حرکت کرده و حتی حرف بزند. در سکانس‌های مشتزنی فیلم، هیچ بدلکاری به جای اسمیت قرار نگرفت و این بازیگر سیاهپوست شخصا در مقابل ورزشکارانی حقیقی قرار گرفت که نقش رقیب محمدعلی را روی پرده ایفا می‌کردند. شرف علی به دین اسلام، طرفداری‌اش از آموزه‌های منجمی عالیجاه محمد و خودداری او از خدمت در زیر پرچم ایالات متحده و رویارویی با ویت کنگ‌ها که به خلق عنوان قهرمانی جهان انجامید، همه و همه داستان‌هایی

هستند که مردم بارها روایت آن را از زبان افراد مختلف شنیده‌اند. کتاب‌ها و مجلات خواننده و از طریق رسانه‌ها دیده‌اند. حالا دیدن تمامی این رویدادها که به‌طور استنادانه‌ای به نمایش درآمده‌اند، قطعا اثرگذار خواهد بود. اما فیلمی که شعار تبلیغاتی خود را جمله «آنچه را فکر می‌کنید می‌دانید، فراموش کنید» قرار داده، افزودن فقط اندکی به آنچه همه می‌دانند و یا روزهای لوج علی شاهد آن بوده‌اند، موفقیت زیادی به شمار نمی‌رود. پس آنچه در پس پرده گذشته چه می‌شود؟ زندگی خصوصی علی و گفته‌ها و ناگفته‌هایش آنجا که دوربینی در کار نبوده و ضبط صوت‌ها خاموش بوده‌اند، چه اهمیتی دارند؟

روی پرده نقره‌ای و به هنگام نمایش عوامل فیلم، از پنج نفر به عنوان نویسنندگان فیلمنامه «علی» نام برده می‌شود. این تعداد فیلمنامه‌نویس برای یک فیلم فقط یک معنی دارد و آن اینکه در یک کلمه «علی» شناخته‌شدنی نیست. مشکل اصلی «علی» نه نبودن اطلاعات به‌دردیخور درباره او، بلکه کمبود این دانسته‌هاست. شاید وجود قهرمانی جهانی که هنوز هم قهرمانی زنده و محبوب محسوب می‌شود، فیلمسازان را ناخودآگاه از آزمون عمیق شدن در زندگی او سرافکننده بیرون آورده است. دلیل آن هرچه می‌خواهد باشد، اما انرژی و هیجانی که با مبارزات محمدعلی موجب می‌خکوب شدن تماشاگران بر روی صندلی‌ها می‌شد و به جهان

انرژی و هیجانی که با مبارزات محمدعلی موجب می‌خکوب شدن تماشاگران بر روی صندلی‌ها می‌شد و به جهان ورزش جان می‌بخشید، به طرز شگفت‌انگیزی در فیلم «علی» مایکل مان غایب است.

ورزشی جان می‌بخشید، به طرز شگفت‌انگیزی در فیلم «علی» مایکل مان غایب است.

● لوئیس هیچل - نیویورک تایمز

فیلم «علی» در کارنامه فیلمسازی مایکل مان یک کشف جدید و کاملاً به‌جا محسوب می‌شود. فیلمی که براساس زندگی محمدعلی مشتزین الفسافه‌ای قرن بیستم بنا شده اولین اثر پراستایل مان است. علی اولین شخصیت سیاهپوستی بود که دیوار میان مخاطبان سفید و سیاه را فرو ریخت و در داخل و خارج رینگ به محبوبیت و شهرتی یکسان دست یافت. حرکات فریبنده و واژه‌های نیش‌ناز در میدان مبارزه برای رقیبان گران می‌آمد و در عین حال با جسارت و شهامت مثال‌زدنی به جنگ، حکومت و قوانین دست‌وپاگیر آن برای سیاهان، رفت.



نکته جالب اینجاست که نهایتاً یکی از فرزندان معنوی محمدعلی بدل به بازیگری شد تا نقش او را بر پرده نقره‌ای جان بخشد. فیلمنامه «علی» به گونه‌ای نوشته شد تا به ویل اسمیت فرصت نفوذ به درون شخصیت اصلی ماجرا را بدهد. لحنی در فیلم هست که نشانگر شورش علی است. مثل زمانی که از رفتن به ویتنام امتناع می‌کند و با هالوارد کاسل (با بازی جان وویت) به مبارزه می‌پردازد. بازی اسمیت در این لحظات به‌واقع آثاری است که خالق تمامی ماجراهاست. بازی جان وویت هم کاملاً طبیعی و اثرگذار از آب درآمده و او از کاسل، یک انسان کاملاً باورپذیر به مخاطب آرایه می‌دهد. فیلم در کنار ویل اسمیت از وجود بازیگرانی سود می‌برد که به ترتیب

ظاهر شده و سپس محو می‌شوند و تنها تعدادی از آنها در متن داستان باقی می‌مانند. یکی از این افراد جیمی فوکس به نقش درو یانگینی براون، ملایم و دوست علی است که جمله معروف «هش! بروانه می‌رقصد» مثل زنبور نیش می‌زند» از ابتاعات او است. فوکس با درک شرایط و سخت‌کوشی، چنان نقش آفرینی می‌کند که مسلمانانها در یاد دوستداران سینما خواهد ماند. «علی» تنها قرار است به بزرگی و قهرمانی شخصیت اصلی خود بپردازد و به همین دلیل از برخی نقطه‌ضعف‌های او چشم می‌پوشد. البته نباید از صحنه‌های حضور همزمان علی و براون به‌سادگی گذشت؛ در این صحنه‌ها نوعی داستان پیچیده نهفته است. چرا که علی همزمان هم براون را تحسین می‌کند و هم اینکه از او متفر است. به دلیل حضور مشتزنان حرفه‌ای نظیر مایکل بنس، چارلز شافورد و جیمز تونی، صحنه‌های مبارزه «علی» بسیار واقعی‌تر و دیدنی‌تر از صحنه‌های مشابه فیلم «گاو خشمگین» با بازی رابرت دنیرو از آب درآمده است.

نکته دیگر در مورد «علی» اینکه صحنه‌های مبارزه میان محمدعلی با جورج فورمن در ژوئن به سال ۱۹۷۴ بسیار شبیه فیلم مستند «زمانی که سلطان بودیم» شده است. اثر درخشان اخیر در سال ۱۹۹۶ ساخته شد و موضوع آن رویدادهای حاشیه‌ای آن مبارزه به یادماندنی است.

بحران خانوادگی

Domestic disturbance

کارگردان: هارولد بکر
فیلمنامه‌نویس: لوییز کالیک
بازیگران: جان تراولتا (فرانک موریسون)، ویس و اون (ریک یارنر)، تری پولو (سوزان)، مت اولری (دنی)، استیو بوسمی (ری کولمن)، جیمز تسلی (جیسون)
زمان فیلم: ۸۹ دقیقه و ۱۷ ثانیه
مناسب برای سنین ۱۲ سال به بالا
محصول ۲۰۰۱ ایالات متحده
شهری کوچک و ساحلی در آمریکا



زمان حال. فرانک موریسون سازنده قایق‌های تفریحی و مسابقه‌ای از همسرش سوزان طلاق گرفته است. از زمان جدایی آنها، پسر ۱۱ ساله‌شان دنی آینه روشنی نداشته و تکلیف قانونی او هنوز مشخص نشده است. فرانک خود را وقف دنی کرده و در ضمن بی‌اعتمادی‌اش را نسبت به دوست جدید همسر سابقش اعلام می‌کند. ریک یارنر تاجر موفقی است که همه در شهر او را به نوع دوستی و خیرخواهی می‌شناسند. سوزان ملتسانه از فرانک می‌خواهد که با ازدواج او با ریک موافقت کند و فرانک هم به خاطر دنی این امر را می‌پذیرد. در مراسم ازدواج، غریبه‌ای ظاهراً مکار به نام ری کولمن ظاهر می‌شود که پیشتر شریک ریک بوده و مدتی را در زندان گذرانده

بازده یاروشن

Ocean's Eleven

کارگردان: استیون سودبرگ، فیلمنامه‌نویس: تد گرین، بازیگران: جورج کلونی (دنی اوشن)، مت دیمن (لینوس)، اندی گارسیا (تری بندیکت)، براد پیت (روستن رایان)، جولیا رابرتز (نس اوشن)، کیسی افلک (ویرجیل مالتوی)
زمان فیلم: ۱۱۶ دقیقه و ۲۵ ثانیه
مناسب برای سنین بالای ۱۲ سال
محصول ۲۰۰۱ ایالات متحده
استرالیا

ایالات متحده زمان حال. دنی اوشن دزد و حقه‌باز از زندانی در لیورجرسی آزاد شده است، او ابتدا دوستش فرانکی قمارباز را در آتلانتیک سیتی و از طریق وی دوست دیگرش روستن را که به ستارگان هالیوود بازی بوکر آموزش می‌دهد، می‌یابد. دنی به روستن می‌گوید که قصد دارد به گاو صندوقی دستبرد بزند که تحت شدیدترین تنبیه



است. او از ریک حق‌السکوت می‌خواهد.

با باردار شدن سوزان، روابط میان دنی و ناپدری‌اش به سرعت رو به وخامت می‌گذارد. دنی در می‌یابد که ریک یک سادیست زورگوست. فرانک که کسب و کارش چندان رونقی ندارد و قرار همکاری پرسودی با ریک گذاشته، در هوای باور و تردید مانده است. تیلوم حضور ری در شهر ریک را به شدت آزار می‌دهد. روزی او با ری قرار می‌گذارد تا در ملاقاتی پولی را که به وی بدهکار است، بپردازد. غافل از اینکه دنی پشت ماشین او پنهان شده، ریک شریک سابق خود را کشته و جسد او را آتش می‌زند. پلیس که از اعمال و رفتار بزهکارانه دنی آگاهی کامل دارد، شهادت او را درباره جنایت رخ داده باور نمی‌کند. نهایتاً فرانک گفته‌های پسرش را پذیرفته و مبارزه‌ای را جهت در اختیار گرفتن سرپرستی دنی آغاز می‌کند. اما پسرک که شدیداً از واکنش ریک بیگناک است، داستان خود را تغییر می‌دهد و این یعنی ناکامی فرانک.

ریک آشیانه قایق فرانک را به آتش می‌کشد و در همان حال اینجا را ترک می‌کند تا فرانک در شعله‌های آتش بسوزد. فرانک که از طریق اینترنت به تبهکار بودن ریک پی برده از مهلکه می‌گریزد. سوزان هم با مشاهده جراحتهای روی بازوی ریک در می‌یابد که همسرش در واقع قاتل است. فرانک به سوی خانه می‌رود و درگیری سختی میان دو مرد روی می‌دهد. ریک به قتل می‌رسد و سوزان که زخمی شده به بیمارستان منتقل می‌شود. گرچه او کودکش را از دست داده اما روابطش با همسر سابق مجدداً به گرمی می‌گراید.

امنیتی، وجوه نقد سه کاربنوی متعلق به تری بندیکت در آن نگهداری می‌شود. این سه به همراه ریون که توسط بندیکت از کار بی‌کار شده گروهی را گرد هم می‌آورند که عبارتند از: دو راننده‌بک هکر رایانه و یک آکروبیات بازیچینی در کنار یک انگلیسی متخصص انفجار به نام پاتر. سائول حقه‌باز و سانجورده ولینوس جیمبر، دنی همسر سابق خود، تن را برای انجام کار ترغیب می‌کند. اما پاسخ رد از او می‌شود.

در شبی که یک مسابقه مهم مشتزنی در لاس وگاس برگزار می‌شود، پاتر با استفاده از جانشی الکتریکی، برق همه شهر را قطع می‌کند و دنی، لینوس و آکروبیات بازیچینی طی عملیاتی دقیق، بیخنده و ماهرانه به گاو صندوق می‌رسند. بقیه اعضای گروه هم در لاس نیروهای پلیس به آنها می‌پیوندند و با ۱۶۰ میلیون دلار پول نقد می‌گریزند. افراد بندیکت هم به اشتباه به تعقیب خودروبی می‌پردازند که بر اثر پول‌های تقلبی است. بندیکت که به دنی مظنون شده قادر به اثبات چیزی نیست. دنی به شرطی حاضر به پس دادن پول هاست که بندیکت دست از سرش بردارد. بندیکت می‌پذیرد و تن که می‌بیند بندیکت هیچ علاقه‌ای به او ندارد، ترکش می‌کند. دنی به دلیل تخلف از قانون آزادی مشروط، سه ماه در زندان می‌گذراند و پس از آزادی، به جستجوی تن و دوستی که منتظرش هستند، می‌رود. اما محل اختفای پول همچنان نامشخص است و بندیکت به دنبال آنهاست.

شارلوت گری

Charlotte Gray

کارگردان: گیلیان آندرسن
فیلمنامه نویس: جرمی براک بر اساس کتابی از سیاستمدار فاکتز باز یگران - کیت بلانشت (شارلوت گری)، بیلی گر اداب (جولین لود)، مایکل گامبن (لود)، روبرت پندی جونز (پیتز کر گوری)، جیمز فلیت (ریچارد کانرلی)



زمان فیلم: ۱۲۱ دقیقه و ۱۰ ثانیه. مناسب برای سنین ۱۵ سال به بالا. محصول ۲۰۰۱ بریتانیا/ استرالیا/ آلمان جنگ دوم جهانی. شارلوت گری جوان و اسکاتلندی در حین کار در شهر لندن رابطه‌ای را با افسر شیک و پرشور، پیتز کرگوری آغاز می‌کند. پس از ناپدید شدن و مرگ احتمالی کرگوری، شارلوت انجام مأموریتی جاسوسی را بر عهده می‌گیرد. او با چتر در منطقه‌ای به نام ویچی فرانس فرود می‌آید تا با نیروی مقاومت همکاری کند. بعد به عنوان فردی محلی در یک مزرعه دورافتاده متعلق به پیرمردی عصبی به نام لود

اقامت می‌گیرند. پسر جوان لود - جولین - یکی از عناصر کلیدی در مقاومت محلی است. در ابتدا لود با خوی جنگجویانه برخورد می‌کند، اما جولین و شارلوت خیلی زود با هم دوست می‌شوند. هنگامی که یک زوج یهودی توسط نیروهای نازی به منطقه‌ای نامعلوم برده می‌شوند، دو پسر آنها مخفیانه در مزرعه اقامت می‌کنند. آلمانی‌ها در محل فرار نیروهای مقاومت کمین کرده و بسیاری را قتل علم می‌کنند. در این میان، جولین که از مرکز گریخته، شارلوت را یک خائن می‌داند. اما پدرش از شارلوت حمایت کرده و مانع از کشتن او توسط پسر می‌شود. رنج معلم محل، اختفای دو پسر یهودی را یافته و شارلوت را تهدید می‌کند. اما شارلوت خود را از چنگال او می‌رهاند. رنج نازی‌ها را به محل پنهان شدن بچه‌ها می‌برد ولی آنها به مکانی دیگر رفته‌اند. نازی‌ها جولین و لود را که خون یهودی دارند، تهدید می‌کنند.

جولین، رنج را به قتل می‌رساند. گرچه پدرش و آن دو پسر حالا در دست نازی‌ها اسیر شده‌اند. شارلوت که درمی‌یابد آنها قرار است به زودی به اردوگاه منتقل شوند، نامه‌ای جعلی از سوی پدر و مادر بچه‌ها نوشته و موفق می‌شود نامه را به دست آنها برساند. با وجودی که نامه قابلی است، اما لااقل پسرها را مطمئن می‌کند که والدینشان به فکر آنها بوده‌اند. شارلوت گری به بریتانیا باز می‌گردد و متوجه می‌شود که کرگوری زنده است. اما با او ارتباطی برقرار نمی‌کند. در عوض، پس از جنگ به فرانسه برمی‌گردد تا دوباره به جولین ملحق شود.

قلب‌ها در اتلانتیس

Hearts in Atlantis

کارگردان: اسکات هیزر. فیلمنامه نویس: ویلیام گلدمن بر اساس کتابی از استفن کینگ. بازیگران: آنتونی هاپکینز (دبیرایگان)، آنتون یلچین (بابی گارفیلد)، هوب دیویس (لیز گارفیلد)، دیوید مورس (بابی گارفیلد جوان)، میکا بووم (کارول گریر). زمان فیلم: ۱۰۰ دقیقه و ۵۲ ثانیه. مناسب برای سنین ۱۲ سال به بالا. محصول ۲۰۰۱ ایالات متحده / استرالیا

بابی گارفیلد عکاس ۵۰ ساله به زادگاه خود در نیوانگلند باز می‌گردد تا در مراسم خاکسپاری دوست دوران کودکی‌اش شای شرکت کند. با کشف

این نکته که عشق اولش کارول هم مرده است، بابی تاستان سال ۱۹۶۰ را به خاطر می‌آورد؛ زمانی که او و دوستانش ۱۱ سال بیشتر نداشتند. پنز قمارباز بابی در ۵ سالگی او از دنیا رفته و مادر کارگر و بد



خلقش، لیز، سرپرستی او را به عهده گرفته است. پسرک پیرمردی به نام تد را در حکم پدر خود می‌داند. مرد طبقه بالای منزلش را به او و مادرش اجاره داده است. تد بابی را استخفام کرده تا مراقب مزاحمان شروری باشد که به ادعای پیرومرد همه جا در تعقیب او هستند. بابی گمان می‌کند تد بیماری روانی است که از سوی پلیس فدرال آمریکا اجیر شده است. در همین حال، برخی از صفات و ویژگی‌های تد بر روی پسرک اثر می‌گذارد.

لیز به همراه رییس خود در یک کنفرانس تجاری شرکت می‌کند و به همین دلیل و به رغم میل باطنی از تد می‌خواهد تا مراقب فرزندش باشد. تد و بابی به شهر رفته و در یک رقابت مشتزنی شریپندنی می‌کنند. در ضمن آنها شدیداً از رویارویی با افراد مزاحم پرهیز می‌کنند. تد در شریپندنی برنده می‌شود و قصد دارد تا با پول آن از شهر بگریزد. کارول از دست قلندری کتک می‌خورد. لیز در بازگشت از سفر، تد را در حال پرستاری از کارول مجروح می‌بیند. در حالی که از نیت تد آگه نیست، لیز در جست‌وجو برای کشف واقعیت به برگی‌ای دسترسی پیدا کرده و محل تد را به تعقیب کنندگان او اطلاع می‌دهد. تد دستگیر شده و به مکانی نامعلوم انتقال داده می‌شود. به گونه‌ای که دیگر کسی ردی از او نمی‌یابد. بابی با پولی که تد از شریپندنی تصاحب کرده به همراه مادرش شهر را ترک می‌کند. زمان حال، بابی که حالا بزرگ شده، دختر کارول را می‌بیند و عکسی از مادرش را به او می‌دهد.

هل ساده لوح

Shallow Hal



کارگردان: بابی فارلی، پیتز فارلی، فیلمنامه نویس: شان موینیان و برادران فارلی، بازیگران: گوینت پالتو (رزمری شانان)، جک بلک (هل لارسن)، جیسن الکساندر (موریچیو)، جو ویتزلی (استیو)، رنی کریزی (والث)، پروین مک گیل (زیورندلارسن). زمان فیلم: ۱۱۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه. مناسب برای سنین بالای ۱۲ سال. محصول ۲۰۰۱

اخبار ارسالی

The Shipping News

کارگردان: لاسه هالستروم، فیلمنامه نویس: رابرت نلسون جاکوبز بر اساس رمانی از ای. ائی. پروکس، بازیگران: کوین اسپسی (کوئل)، جولین مور (ویوی پروین)، جودی دنچ (اگنس هام)، اسکات گلن (جک بوگت)، کیت بلانشت (پتال). زمان فیلم: ۱۱۷ دقیقه و ۱۴ ثانیه. مناسب برای سنین بالای ۱۵ سال. محصول ۲۰۰۱ ایالات متحده

آمریکا، زمان حال، کوئل چهل و چند ساله که کودکی خود را در نیویورک ولند و پاترس از آب گذرانده در گوشه‌ای از ایالات متحده و با انجام کارهای پست و روزمره روزگار می‌گذراند. او با زنی جوان به نام پتال به صورت اتفاقی آشنا شده و به زودی ازدواج می‌کند. نتیجه این ازدواج دختری به نام بانئ است، پس از سلسله رویدادهایی، پتال کوئل را ترک کرده و به همراه بانئ می‌رود، کوئل هم بعد از بازگشت مراسم خاکسپاری والدینش، کم شین پتال و بانئ را گزراش می‌کند. مشخص می‌شود که پتال در یک تصادف رانندگی کشته شده و



ایالات متحده آلمان

زیورندلارسن در بستر مرگ به فرزند ۹ ساله اش هل یادآوری می‌کند که به زیبایی بیش از هر امر دیگری در زندگی اهمیت بدهد. در نتیجه هل در بزرگسالی نمی‌تواند هیچ رابطه احساسی برقرار کرده و آن را ادامه دهد. تا اینکه روزی تونی را اینتر در ملاقاتی در یک آسانسور متوقف شده به عنوان مرشد به هل این قدرت را می‌بخشد که تنها به زیبایی درون توجه کرده و آن را ببیند. هل عاشق رزمی شانان می‌شود، غافل از اینکه او دختر کارفرمایش استیو بوده و نیز اینکه تا حدودی چاق است. رزمی، هل را به خانه و نزد والدین خود می‌برد و هل در آنجا از وضع ظهیری رزمی دفاع می‌کند و استیو را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هل در محل کار ارتقای درجه می‌یابد اما دوستانش او را متهم می‌کنند که برای پیشرفت حرفه‌ای با دختر رئیس آشنا شده.

موریچیو دوست هل به را اینتر التماس می‌کند تا درمانی دیگر برای ماچرا ببیند. بعد از یک تغییر ناگهانی، هل که از دخالت موریچیو ناراحت شده رزمی را رها کرده و در آپارتمان خود پنهان می‌شود. جیل - دوست سابق هل - او را به میهمانی شام دعوت می‌کند تا او را متقاعد کند که دوستی مناسب است.

رزمی اندکی پیش از عملی شدن تصمیم هل مبنی بر انتخاب جیل، آن دو را ملاقات می‌کند. پنج روز بعد هل ناخوانده وارد یک مجلس میهمانی می‌شود که از سوی والدین رزمی و به مناسبت آغاز سفر ۱۳ ماهه او در قالب سپاه صلح برگزار شده است. هل عشق خود را نسبت به رزمی اعلام کرده و آشکار می‌کند که به همراه او به سفر خواهد رفت. چرا که صبح همانروز سونگند خورده و وارد سپاه صلح شده است.

بانئ هم که در بازار سپاه یک ازاتس فرزند خواندگی در معرض فروش است، به نزد کوئل بازمی‌گردد. اگنس هم عمه کوئل به ناگهان از راه می‌رسد و او را ترغیب می‌کند تا تغییر مکان داده و به سرزمین خانوادگی اش یعنی نیویورک ولند باز گردد.

در آنجا کوئل به عنوان خبرنگار روزنامه‌ای محلی مشغول به کار می‌شود، او که هر روز بانئ را به مدرسه می‌رساند و برمی‌گرداند با مسلم فرزندش، که زنی بیوه به نام ویوی پروین است. آشنا شده و رفته رفته به وی علاقه‌مند می‌شود. اگنس پرده از رازی دربارہ رابطه خود و پدر کوئل در دوران جوانی برداشته و به او چیزهایی بلزگو می‌کند. قابق کوئل در دریا واژگون می‌شود و پیش از نجات یافتن، بدن بی‌سرفردی را می‌یابد که بیشتر با او مصاحبه کرده بود.

بعدها معلوم می‌شود که همسر این فرد او را به قتل رسانده است. کوئل پس از حضور در مراسم خداحافظی دوست و همکاری بیوفیلد به نزد ویوی می‌رود. ویوی اعتراف می‌کند که بیوه نیست و همسرش با ترک او، زن دیگری را ترجیح داده است.

با نزدیک شدن زمستان، کوئل، بانئ و اگنس به مکانی در نزدیکی محل اشتغال کوئل منتقل می‌شوند. بر اثر توفانی شدید خانه خالی آنها به کلی ویران شده و کوئل و ویوی باز دیگر همدیگر را ملاقات می‌کنند. کوئل به بانئ، که هنوز عمیقاً از مرگ مادرش متأثر است، اطمینان می‌دهد که همچنان او را دوست دارد.

دو نگاه به اخبار ارسالی

نقطه ضعفی به نام کوین اسپیسی!

• کنت توران - لنس آنجلس تایمز

لاسه هالستروم کارگردان «اخبار ارسالی» خودش در مصاحبه‌های گفته است که زمان آنی پروکس تقریباً به طرز رنجش آوری غیرنمایشی است. بنابراین طبیعی است که کتابی نامتعارف شاعرانه و شخصی چون اثر پروکس، هرگز قابلیت تبدیل شدن به یک فیلم دقیق سینمایی را نخواهد داشت. اما به سختی می‌توان باور کرد که زمان منبع الهام این فیلم استاندارد برنده جایزه معتبر و مهمی مثل پولیتزر شده است. آنچه اخبار

ارسالی را از ساخته‌های پیشین هالستروم («قوانین خانه سدر» و «شکلات») متمایز می‌کند، نه فیلمنامه مایوس‌کننده بلکه تصمیم او برای استفاده از کوین اسپیسی به عنوان قهرمان داستان است. حضور در نقشی نظیر کوین می‌تواند برای هر هنرپیشه‌ای بدل به یک چالش اساسی شود. ولی اسپسی که نبوغ و هوشیاری بی‌پایانش قابل اعتمادترین دارایی‌های او محسوب می‌شوند با ایفای نقش کوین به سادگی دست به محو و نفی این استعدادها می‌زند.

شخصیت‌های «اخبار ارسالی» با اینکه عمدتاً از یک فرد روح می‌برند اما فاقد عمقی هستند تا مشکلاتشان جدی گرفته شود. از

آنجا که بسیاری از تکتک‌ها و روابط نامتعارف کتاب در پروسه فیلم به داستانی عادی بدل شده‌اند برای تماشاگر چیزی نمی‌ماند جز زیبایی حیرت‌انگیز مناظر نیوفلاوندلند. در چشم‌نواز بودن این مناظر تردیدی نیست. اما هالستروم که معمولاً برای روح آثارش تلاش چندانی به خرج نمی‌دهد در «اخبار ارسالی» هم ناموفق جلوه می‌کند. در فیلم‌های خالق «قوانین خانه سدر» پیچیدگی‌های آبی متن به عناصری تماشاگرپسند و قابل پیش‌بینی تقلیل می‌یابند و عده‌ای را عقیده بر این است که کتاب برنده جایزه پولیتزر «اخبار ارسالی» باید در نسخه سینمایی به «چگونه کوین به عادت پیشین بازگشت» تغییر نام می‌داد. کوین اسپسی در مصاحبه‌های تجربه بازی در این فیلم را بسیار شیرین توصیف کرده و افزوده است که شوخ‌طبعی، صراحت، خوشگرمی و توانایی کارگردان، حرف اول را در پروژه می‌زند. ظاهراً خود اسپسی اصرار داشته تا لاسه هالستروم ساخت «اخبار ارسالی» را بر عهده بگیرد و حالا هم طبیعی است که از روش فیلمسازی او تعریف و تمجید کند. اما باید اذعان کرد که حضور در این فیلم هیچ امتیازی برای بازیگری که تا به امروز دو بار بر مجسمه طلایی اسکار بوسه زده تلقی نمی‌شود.

ظاهراً خود اسپسی اصرار داشته تا لاسه هالستروم ساخت «اخبار ارسالی» را بر عهده بگیرد و حالا هم طبیعی است که از روش فیلمسازی او تعریف و تمجید کند. اما باید اذعان کرد که حضور در این فیلم هیچ امتیازی برای بازیگری که تا به امروز دو بار بر مجسمه طلایی اسکار بوسه زده تلقی نمی‌شود.

• استفن هولدن - نیویورک تایمز

لقبتاس سینمایی لاسه هالستروم از زمان آنی پروکس تنها به خاطر صحنه‌های دل‌انگیز سواحل شمال شرقی کشور کانادا به یاد می‌ماند. کارگردان موفق شده تا به دقت چشم‌انداز جاذب و در عین حال هولناک سرزمین نیوفلاوندلند و آداب و رسوم مردم آن را به تصویر بکشد. اما در روایت جوهره و نیت زمان هینی بر سفر اودیسه و اریک یک غریبه بدخلق و شکست خورده آشکارا درمانده است.

گرچه «اخبار ارسالی» از ضعف شخصیت کوین (بازیگری نه چندان دلچسپ کوین اسپسی) صریح‌خورده اما سایر بازیگران با نقش آفرینی‌های بلورپذیر، در کل فیلم تعادل ایجاد کردند.



کلاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جوشی دنچ و جولین مور در نقش آگنس و ویوی به خوبی توانسته‌اند نقش زنانی را بازی کنند که رحم‌ها و شکست‌های عاطفی خود را در پس ظاهری خشک و فریبنده پنهان نمایند. بی‌تردید در این میان کیت بلانشیت به نقش پتال، حضوری قوی و خیره‌کننده دارد. اما باید پذیرفت داستانی بلند که در قالب یک فیلم کمتر از دو ساعتی روایت می‌شود، مسلماً کاستی‌هایی دارد که به بسیاری از بازیگران نقش‌های فرعی اجازه بروز و ظهور استعداد آنها را در نقش شخصیت مورد نظر نمی‌دهد.

با تمامی این احوال، «اخبار ارسالی» در نوع خود اثری قابل قبول به شمار می‌رود. به عوض خواندن یک کتاب قطور، شما می‌توانید تصاویر برگزیده و مشوشی از همان داستان را ببینید و لذت ببرید. شاید هالستروم نهایت تلاش خود را برای روایت ماجرا به کار برده باشد، اما او قطعاً از رسیدن به مرحله ایجاد ارتباط میان تصاویر و حال و هوای داستان - با زبان غیرمتعارف نویسنده - عاجز مانده است. نتیجه کار فیلمساز در پایان چیزی نیست غیر از شعری شور و شیرین از رویدادها و شخصیت‌های کتاب.

FILM GUIDES

The Mothman Prophecies



کارگردان: مارك بلینگتن
فیلمنامه نویسن: ریچارد هاتم
براساس کتابی نوشته جان
ای کیل
بازیگران: ریچارد گر (جان کلاین،
لورا لینی (کاتی میلز)، ویل یاتن
(گوردن اسمال وود)، دبرامسینگ
(مری کلاین)، لوسیندا چنی
(دلین اسمال وود)، آلن بیتز
(الکساندر لیک)

زمان فیلم: ۱۱۸ دقیقه و ۳۹ ثانیه
مناسب برای سنین بالای ۱۲ سال. محصول ۲۰۰۱ ایالات
متحده.

واشنگتن دی سی، زمان حال. جان کلاین، روزنامه نگار که
همسرش، مری روز کریسمس در سانجه رانندگی دچار ضربه
مغزی لاعلاجی شده و از دیار رفته است. در اتاق او دفترچهای
پیدا می کنند؛ دفترچهای که بر از نقاشی هیولایی شیطانی و
بالدار است، او گمان می کند همسرش این موجودات را اندکی
پیش از مرگ خود دیده و به تصویر کشیده است.
دو سال بعد، کلاین سوگوار برای رانندگی در دل شب از خانه
خارج می شود. خودروی او در محلی نزدیک پوینت پلزنت دچار

از چیختم

From Hell

کارگردان: آلن و آلبرت هیوز. فیلمنامه نویسن: تری هابز
و رافائل ایگلسیاس براساس رمانی از آلن مور و ادی
کمپبل. بازیگران: جانی دپ (فرد ابرلین)، هیتز گراهام
(مری کلی)، ایان هولم (ویلیام گال)، رابین کولتران (پیتز
گادلی)، یان ریچاردسن (چارلز وارن)، جیسون فلینینگ
(تتلی). زمان فیلم: ۱۲۲ دقیقه و ۱۲ ثانیه. مناسب برای
سنین ۱۸ سال به بالا. محصول ۲۰۰۱ ایالات متحده.

لندن، ۱۸۸۸. آن کروک دختر فروشنده به همراه دوستش آلبرت
توسط افسران دلیره ویژه دستگیر می شوند، در حالی که زنی
بدنام به نام مری کلی از دختر آنها. آلیس. نگهداری می کند.
اندکی بعد قتل هایی عجیب و غریب رخ می دهد که تمامی پنج
قربانی این حوادث زنان بدنام و از دوستان آن هستند. بازرس
فرد ابرلین که پس از مرگ همسر و فرزندش به مواد مخدر
معاد شده مأمور رسیدگی به پرونده قتل ها می شود. ابرلین
در راه انجام وظیفه از سر ویلیام گال، پزشک سلطنتی، کمک
می طلبد و ویلیام به او می گوید که جنایت ها توسط فردی با
تخصص کالبدشناسی انجام شده است.

ابرلین و مری رفته رفته به هم علاقه مند می شوند و مری
درباره آلیس به او می گوید. ابرلین رد آن کروک را در یک
نوانخانه می یابد و به واسطه او می فهمد که آلبرت در واقع یک
شاهزاده است. از سوی دیگر مری در یک گاری هنری تصویری
از آلبرت می بیند که نشان می دهد او شاهزاده ادوارد فرزند ملکه
ویکتوریا است.
ابرلین در می یابد قتل ها براساس آداب و رسوم فراماسوئری

سانجه می شود و کلاین برای آوردن کمک به خانه ای در همان
حوالی می رود. در آنجا مردی به نام اسمال وود که ادعا می کند
منتظرش بوده او را با اسلحه تهدید می کند. کاتی میلز، افسر
پلیس، توضیح می دهد که اتفاقات عجیب و غریبی در منطقه
در حال رخ دادن است. مردم محلی دیده شدن موجودی پرنده
و بلند قد و همین طور تماس های تلفنی مرموزی را گزارش
می کنند. کلاین که کنجکاو شده موضوع را بررسی می کند.
موجود مرموز پیش گویی هایی برای اسمال وود انجام می دهد
که همه آنها به وقوع می پیوندند. کلاین با روان شناسی به نام
الکساندر لیک ارتباط برقرار می کند و لیک او را از بررسی بیشتر
موضوع بر حذر می دارد. فردی مرموز طی تماس های تلفنی با
کلاین و نشان دادن قدرت درک غیرعادی خود او را وادار به
پذیرش این نکته می کند که اتفاقی وحشتناک در شرف وقوع
است.

زنی شبیه همسر کلاین، با میلز ملاقات کرده و به او می گوید
که در بی کلاین است. کلاین پس از دریافت بیگامی مبنی بر
اینکه مری روز کریسمس با او تماس خواهد گرفت، به واشنگتن
باز می گردد. میلز او را ترغیب می کند تا روز عید را با وی
بگذراند. اما کلاین به شهر پوینت پلزنت می رود و با فرو ریختن
بل روی رودخانه اوهایو، میلز را از خطر غرق شدن نجات
می دهد.



و برای تنبیه خیانتکاران انجام گرفته. در رویارویی یازرس با
ویلیام گال، پزشک سلطنتی به قاتل بودن خود اعتراف کرده
و می گوید به خواست ملکه و برای سرپوش گذاشتن به رسوایی
رابطه آلبرت با زنان بدنام و تولد آلیس وارد ماجرا شده است.
گر چه تقییس معمار بزرگ فراماسوئری انگیزه دیگری برای
این قتل هاست. ابرلین پیش از انجام هرگونه عملی دستگیر
می شود و گال برای یافتن و کشتن مری کلی عزم خود را جزم
می کند.
ابرلین موفق به فرار می شود، اما ظاهرا دیر شده است. جسد
مطله شده زنی هم کشف شده که ابرلین از رنگ موی آن
درمی یابد مری نیست. او نامه ای از مری دریافت می کند با این
مضمون که مری به همراه آلیس به سرزمین مادری اش ایرلند
بازگشته است. گال از سوی دوستان فراماسون خود متزلزل
تشخیص داده شده و مجازات می شود. سرانجام جسد مرده
ابرلین در پانوی معتادان، کشف می شود.